

مآله

گشته شدن گاو آپس بدست کمبوجیه

مضمون

سرینبک جهانگیر قائم مقام

« دکتر تاریخ »

در تاریخ ایران چه بسیار
رویداد هائی را می یابیم که
مورخان و نویسندگان بیگانه،
از روی غرض و دشمنی و یسا
باشتباه ، دگر گونه جلوه
داده اند و از این گونه است رفتار
کمبوجیه شاهنشاه هخامنشی
در مصر که هر دوت میگوید
آرامگاه های کهن را کشود
و مردگان را نظاره کرد، مجسمه
خدایان را در معابد مصر تمسخر
نمود و برخی را شکست و با آتش
سوزانید^۲ ، پیکر آمازیس
فرعون مصر را از تابوت بیرون
کشید و دستور داد تا بان تازیانه

۱- درباره این نکته به مقاله نفیس دانشمند محترم آقای غلامرضا دادبه در شماره پنجم سال سوم زیر عنوان : واژگونی های تاریخ (سنگ نگاره های شاپور ساسانی و والرین) رجوع کنید .

۲- بند ۳۷ کتاب سوم .

زدند^۳ و بالاخره گاوا آپیس، خدای مصریان را باخنجر مجروح کرد و آن حیوان بدان زخم در گذشت.^۴

این مسأله که بهیچ رو با آزادگی و منش آریائیها و شاهنشاهان ایران درست در نمی آید، با اسناد تاریخی و هم با اصول مذهبی و معتقدات خود مصریان نیز تطبیق نمی کند؛ اما آنچه میدانیم تاچندی پیش همگان بر بنیاد نوشته های مورخان یونانی و رومی چنین می پنداشتند که کمبوجیه در بازگشت از الفانتین Eléphantine بمصر، این همه رفتار بد را کرد و گاوا آپیس مصریان را باخنجر زخمی نمود و آپیس با آن زخم در گذشت ولی خوشبختانه مدارک و اسناد غیر قابل تردیدی که در کاوشهای سرزمین مصر بدست آمده است نادرست بودن نوشته های مورخان پیشین را بخوبی روشن می کند و مادر این گفتار تنها بارائه اسناد و مدارک می پردازیم که در باره نادرست بودن خبر قتل گاوا آپیس بدست کمبوجیه، درست است.^۵

مصریان قدیم بتعدد خدایان اعتقاد داشتند و برای بیشتر مسائل زندگی، خدایانی و برای این خدایان مظهری قائل می بودند و گاهی نیز برای دو خدای خود مظهر واحدی میشناختند و چنان میدانستند که خدایان بزرگ بهر صورت و شکل حتی بقالب حیوانات هم متجلی و ظاهر خواهند شد، چنانکه گاوا آپیس

۳ - بند ۱۶ همان کتاب .

۴ - بندهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ همان کتاب

۵ - درباره نسبت هایی که در ویران کردن معابد و سوزاندن مجسمه خدایان و دیگر کارها به کمبوجیه داده اند نیز مدارک بدست آمده است که نادرست بودن آنها را روشن میکنند از جمله دو مجسمه بنام ناوفور Naophore است (ناوفور و اتیکان و نا اوفور قاهره) که در زمان داریوش بزرگ در مصر ساخته شده و نوشته های روی آنها بخط مصری باقی مانده است و باستاند آن نوشته ها میدانیم کمبوجیه دستور داده بود پیاس معبدیت در ممفیس، بیگانگان در آنجا، جای نکنند و خود او هم بمنظور بزرگداشت خدایان سائیس، به آن معبد رفت و پیاپی مجسمه خدایان شراب فشانی کرد و همچنین موقوفات آن معبد را نیز پایدار نمود. (ر. ک. به کتاب نخستین دوره استیلای ایرانیان بر مصر تألیف ژ. پوزنر G. Posener La première domination perse e Egypte par ص ۱۰۵ - ص ۱۸ ترجمه نوشته های مجسمه ناوفور و اتیکان و ص ۲۸ ترجمه نوشته ناوفور قاهره که در آنها کمبوجیه به عنوان حامی و پشتیبان ملل بیگانه و آباد کننده شهرها نامیده شده است .

بمقیده ایشان مظهر خدایان بزرگ پتاه Phtah و آتوم Atoum و اوزیریس Osiris و مورد تقدیس و احترام آنها میبود.^۶ هرودوت که با دوره رواج این عقیده همزمان بوده است در شرح پیدایش و مشخصات گاو آپیس می نویسد: «این آپیس یا اپافوس باید از ماده گاوی بدنیا آید که پس از آن دیگر قادر به حمل بچه دیگری در شکم نباشد. مصریان مدعی هستند که صاعقه ای از آسمان بر این ماده گاو فرود می آید و از این صاعقه، آپیس در شکم او بوجود می آید. این گاو جوان را آپیس می نامند و از روی علایم زیر تشخیص میدهند: رنگ آن سیاه است و ولی روی پیشانی آن لکه سفیدی سه گوش و بر پشت آن تصویر یک عقاب وجود دارد. پشم های دم آن مضاعف است و زیر زبان آن تصویر حیوانی نقش است.»^۷

مصریان قدیم ظهور این گاورا جشن میکردند و آنرا به معبد ممفیس برده در آنجا پرستش میکردند؛ اما بعد از بیست و پنج سال پرستش آنرا در آب چشمه یی مقدس غرق می نمودند و سپس جسد آنرا با احترام و تجلیل خاص مومیایی کرده و در قبرستان مقدس سراپه اوم Sérapéum واقع در نزدیکی معبد ممفیس بخاک میسپردند^۸ و از آن پس تا ظهور آپیس دیگر، عزادار میماندند.

در سال ۱۸۴۱ میلادی (۱۲۵۷ قمری = ۱۲۱۹ شمسی) تعداد بسیاری از اجساد مومیائی شده این آپیس ها توسط باستان شناس فرانسوی ماریت Mariette در حفاریهای قبرستان سراپه اوم کشف شد^۹.

بطوریکه مورخان قدیم نوشته اند اردو کشی کمبوجیه شاهنشاه هخامنشی بمصر و حبشه، مصادف بامرگ یکی از این آپیس ها بوده است ولی بعدها مصریان مغلوب از این تصادف برای خراب کردن مقام و نام ایرانیان فاتح،

۶ - نگاه کنید به کتاب تمدن مصر تألیف ا. ارمان و ، ه ، رانک چاپ پاریس

۷ - بند ۲۸ کتاب سوم تاریخ هرودوت .

۸ - نگاه کنید به دائرة المعارفها زیر کلمه آپیس

۹ - نگاه کنید به دائرة المعارفها زیر کلمه Sérapéum

استفاده کرده، چنان شهرت دادند که آپیس بمرگ طبیعی نمرده بلکه کمبوجیه آنرا باخنجر مجروح نمود و آپیس بر اثر آن جراحات، چند روز بعد در گذشت. بدین ترتیب با جعل این خبر غرض آلود لکه سیاهی بر صفحه تاریخ پادشاهی کمبوجیه افکندند که سالها باقی بود و این افسانه که بتدریج باوقایع تاریخی ترکیب گردید و رفته رفته جنبه تاریخی یافت، بدینقرار بود که بموجب تاریخ صحیح، کمبوجیه پس از فتح مصر بجانب حبشه لشکر کشید ولی در بیابانهای بین مصر و حبشه بسیاری از سپاهیان او مردند و کمبوجیه با اصرار فراوان تا حدود آبشارهای جنوبی نیل و تاقلعه الفانتین پیشرفت و از آنجا دیگر مجبور بیازگشت شد و از این عدم توفیق و یاد حقیقت از این شکست سخت ناراضی و خشمناک بود. معمولات مصریان از اینجا در شرح وقایع تاریخی اضافه میشود بدین معنی که مصریان چنین شایع کردند که بازگشت کمبوجیه به مصر مصادف با روز هائی بود که مصریان به مناسبت ظهور آپیس همه جا جشن گرفته بودند و کمبوجیه چنان تصور کرد که جشن و شادی مصریان بخاطر شکست اوست و بدین سبب خشمگین شده گاو آپیس را با خنجر خود مجروح ساخت و آن گاو را مصریان از بیم کمبوجیه در پنهانی بختاک سپردند.

هرودوت (۴۸۴-۴۲۵ قبل از میلاد) هم که تقریباً یکصد سال بعد از این واقعه از مصر دیدن کرده این واقعه را از مصریان شنیده و در کتاب خود چنین نقل نموده است :

« در موقع بازگشت کمبوجیه به ممفیس خداوند آپیس که یونانیان اپافوس مینامند بر مصریان ظهور کرد و همینکه ظهور آن اعلام شد مصریان لباسهای فاخر بپوشیدند و بشادی و سرور مشغول شدند. وقتی کمبوجیه مصریان را سرگرم این تظاهرات و شادیا دید یقین کرد که ناکامی های او موجب سرور و شادی آنان شده است، به روحانیون امر کرد آپیس را بنزد او آورند ... وقتی کاهنان آپیس را بنزد کمبوجیه آوردند، وی در حال خشم خنجر بیرون کشید و خواست آنرا به شکم حیوان فرود آورد اما خنجر به ران حیوان اصابت کرد. پس وی شروع بخنیدن کرد و به کاهنان چنین گفت: ای گناهکاران، آیا خدایان هم از گوشت و خون هستند که اسلحه بر آنها کاری

باشد؟ چنین خدائی بی‌تردید فقط شایسته مصریان است... از آن پس جشن مصریان قطع شد. آپیس با پای مجروح خود در معبدی که در آنجا خفته بود بر اثر جراحات خود در گذشت و کاهنان بی‌خبر از کمبوجیه آنرا دفن کردند،^{۱۰}

پس از هرودوت مورخان دیگری مثل دیودور^{۱۱} Diodor و سترابون^{۱۲} Strabon و پلوتارک^{۱۳} Plutarque و ژوستن^{۱۴} Justin بنقل از هرودوت این تفصیلات را با آب و تاب بسیار در کتابهای خود ذکر کردند. از آن پس دنیا بر این عقیده بود که گاو مقدس مصریان بدست کمبوجیه شاهنشاه ایران و بر اثر دیوانگیهای او کشته شد و مورخان و نویسندگان در اطراف این رفتار پادشاه ایران که حیوان بی‌گناهی را بدان نحو مجروح کرده شرح و تفصیل‌ها نوشتند و در فصل سیاست مذهبی پادشاهان هخامنشی قضاوتها نمودند و بالاخره با این اتهام ناروادامن کمبوجیه را لکه دار ساختند تا اینکه خوشبختانه در سال ۱۸۴۱ میلادی (۱۲۱۹ شمسی) هاریت باستان‌شناس فرانسوی حفاریهای خود را در قبرستان سراپه‌اوم در نزدیکی ممفیس آغاز کرد و قبور بسیاری از آپیس‌ها کشف شد که اجساد مومیائی شده آنها در داخل تابوت‌ها همچنان باقی بود. از آنجمله سنگ قبر و تابوت دو آپیس بدست آمد که یکی در سال ششم سلطنت کمبوجیه (۵۲۴ ق.م) و دیگری در سال چهارم پادشاهی داریوش کبیر (۵۱۸ ق.م) مرده بودند. بابدست آمدن این اسناد، خط بطلان بردعای مورخان قدیم یعنی هرودوت و دیودور و سترابون و پلوتارک و ژوستن کشیده شد و بالاخره لکهٔ ننگ اتهامی که بناحق مدت دو هزار و چهارصد سال بردامن شاهنشاه هخامنشی افتاده بود، محو گردید.

۱۰ - بندهای ۲۶ تا ۳۰ کتاب سوم

۱۱ - بند ۴۶ کتاب اول

۱۲ - کتاب مقدم بندهای ۱ و ۲۷

۱۳ - بند ۴۴ De Iside

۱۴ - کتاب اول بند ۹

از مطالب این کتیبه ها قسمتهایی در برخی از تاریخ های فارسی معاصر نقل شده است اما متن کامل و عکس آنها را برای نخستین بار بمنظور ثبت در تاریخ ایران در اینجا از نظر خوانندگان میگذرانیم و سپس بتجزیه و تحلیل دعاوی مصریان ورد اظهارات ایشان میپردازیم .

۱ - سنگ قبر آپیس که در زمان کمبوجیه بجاگ سپرده شده است .

این لوحه از سنگ آهکی بارتفاع ۶۶ سانتیمتر و بعرض ۴۴ سانتیمتر وبصخامت تقریبی ۹ سانتیمتر است و بشماره ۳۵۴ در موزه لوور Louvres پاریس موجود می باشد. ۱۵ (تصویر ۱)

متن کتیبه مزبور شامل دو قسمت متمایز و بشرح زیر است :

قسمت اول :

در زیر قرص خورشید بالداری که بالهای آن تمام هلال لوحه را فرا گرفته تصویر میزی که میز هدایاست حجاری شده و این نقش که در غالب کتیبه های قبور سراپه اوم دیده میشود ، علامت این است که کتیبه مزبور هدیه ایست برای خدا ، آپیس .

در همین قسمت ، در طرف راست کتیبه ، تصویر گاو آپیس با قرص خورشید و نقش يك مار عینکی در بین دو شاخ آن ، حجاری شده و این مار عینکی همانست که در تزئینات تاج فراعنه مصر هم دیده میشود . در بالای تصویر

آپیس مطالبی در سه سطر کنده شده و آن چنین است :

« آپیس آقوم که شاخ بر سردارد ، تواناست زندگی کامل ببخشد .»

و در طرف چپ ، تصویر کمبوجیه دیده میشود که در مقابل آپیس زانو زده و در بالای سرش نام و عناوین او را در سه ستون ثبت نموده اند و بنا بر رسم مصریان که نام پادشاهان را در درون يك بیضی مینوشته اند ، نام کمبوجیه نیز در داخل يك بیضی دیده میشود و آن عناوین بدین نحو است :

« مظهر هوروس ، پروردگار آفتاب درخشان ، شاهنشاه مصر علیا و سفلی

بازمانده، پروردگار «را» کمبوجیه خدای مهربان و سرور دو کشور (منظور دو مصر علیا و سفلاست).

قسمت دوم کتیبه :

در قسمت دوم مطالبی در ده سطر ثبت شده که اینک قسمتی از آن محو گردیده است ولی افتادگی‌ها طوری است که باستان شناسان و متخصصین خط هیرو گلیفی توانسته اند متن کامل آنرا تنظیم نمایند و اینست متن این قسمت از کتیبه:

« در سال ششم، سومین ماه از فصل شمو، روزدهم در دوران پادشاهی اعلیحضرت شاهنشاه دومصر علیا و سفلی و پسر پروردگار بزرگ «را» که او را زندگی جاودانی باد، خداوند (آپیس) با آرامشی تمام بسوی غروبگاه خود راهنمایی شد و او را در آرامگاهش و در مکانی که شاهنشاه برای او بنا ساخته بود، جای دادند. پس از انجام کلیه مراسم که برای مومیائی کردن آن لازم بود، جامه‌های فاخر بر او پوشانیدند و کلیه زینت آلات و جواهرات گرانبهای او را باوی در آرامگاه ابدیش جای دادند و اینها همه بهمان ترتیب انجام شد که شاهنشاه کمبوجیه که جاویدان باد، فرموده بود.^{۱۶}»

۴ - کتیبه تابوت آپیس

این تابوت از سنگ سماق خاکستری رنگ و بطرز بسیار ظریف و زیبایی ساخته شده و آن نیز در قبرستان سرایه اوم ممفیس بدست آمده است و تنها یک سطر روی آن حک گردیده و بدین مضمون میباشد:

« مظهر هوروس، پروردگار آفتاب درخشان، شاهنشاه دومصر علیا و سفلی و بازمانده و پسر پروردگار بزرگ «را» کمبوجیه که جاودانی باد. این بنای بزرگ را از سنگ خارا برای آرامگاه آپیس - اوزیریس برپا داشت و این تابوت از طرف او یعنی کمبوجیه که شاهنشاه دومصر علیا و سفلی و پسر پروردگار بزرگ «را» است اهدا شد. بهره‌مندی از تمام نعم‌زندگی، ابدیت مطلق و کامیابی کامل، تندرستی و شادی فراوان او را باد که پادشاه دومصر علیا و سفلاست.^{۱۷}»

۱۶ - همان کتاب ص ۳۳ و ص ۱۷۱

۱۷ - همان کتاب ص ۳۶

از مندرجات این دو کتیبه بخوبی معلوم میشود بفرمان شاهنشاه ایران آپیس را با تشریفات و مراسم ویژه بخاک سپرده اند و شاهنشاه ایران کمبوجیه تابوت مجلل و گرانبهائی نیز از سنگ سماق برای آپیس هدیه کرده است . با این ترتیب چگونه میتوان باور داشت که کمبوجیه آپیس را مجروح و کشته باشد و کاهنان مصری، جسد آن را پنهان از کمبوجیه، بخاک سپرده باشند. این دعوی مصریان و همچنین ، نوشته هرودوت و سایر مورخان قدیم ، مبنی بر اینکه گاو مقدس مصریان بدست کمبوجیه کشته شده ، از نظر اصول مذهبی و معتقدات خود مصریان هم قابل قبول نیست زیرا مصریان معتقد بودند که يك خدا در يك زمان هرگز بصورت دو حیوان تجلی نمی کرده است^{۱۸} بنابراین نتیجه میگیریم هنگامی که کمبوجیه بمصر بازگشته است و مصریان بخاطر ظهور گاو آپیس جشن گرفته بودند يك گاو آپیس بیشتر وجود نداشته و اگر این گاو بوده که بدست کمبوجیه کشته شده لامحاله بایستی مدتها مصریان از داشتن خدای خود محروم می بوده اند ولی بموجب کتیبه قبر آپسی که در سال چهارم سلطنت داریوش کبیر (سال ۵۱۸ ق م) در گذشته و آن کتیبه اکنون در موزه لوور پاریس موجود است (شماره ۳۵۷) میدانیم ، این آپیس در سال پنجم پادشاهی کمبوجیه (۵۲۵ ق م) یعنی در حدود ۱۵ ماه قبل از مرگ آپیس اولی بدنیا آمده است^{۱۹} و از اینجا معلوم میشود پس از مرگ گاو آپیس اول، مصریان ظهور آپیس دوم را جشن گرفته اند ؛ بنا بر این باید گفت در این هنگام گاو آپیس اول مرده بوده و آپیس دوم هم بطوریکه میدانیم تا سال ۵۱۸ قبل از میلاد یعنی تا هفت سال بعد زنده بوده ؛ پس جشنی که مورخان بدان اشاره کرده اند جشن آپیس دوم بوده است و موضوع کشته شدن آن هم بدست کمبوجیه نه تنها با حقیقت تاریخی تطبیق نمی کند، بلکه دعوی بی اساسیست که مصریان مغلوب از روی کینه توزی نسبت با ایرانیان فاتح جعل نموده اند . در اینجا این پرسش پیش می آید که با آنکه وجود دو آپیس در يك زمان مغایر با اصول مذهبی و معتقدات مصریان بوده پس چگونه مدت ۱۵ ماه دو

۱۸ - همان کتاب ۱۷۲

۱۹ - همان کتاب ص ۱۷۲

گاوا آپیس در مصر وجود داشته است؛

دانشمندان مصر شناس در این باره کوشش بسیار نموده اند تا پاسخی بیابند و سرانجام خود را باین راضی کرده اند که این وضع امری استثنائی بوده است.^{۲۰} ولی با توجه به نوشته های هرودوت که درباره رسوم و عادات و معتقدات مصریان ضبط نموده است این گره بسادگی باز نشده و آن چنین است که بطوری که هرودوت در شرح مختصات و مشخصات گاوا آپیس نوشته و ما نیز آنرا در اوایل مقاله حاضر عیناً نقل نموده ایم، از شرایط لازم برای اینکه گاوی با آن علایم ظاهری همان گاوا منظور و گاوا مقدس آپیس باشد، میبایستی که ماده گاوا مادر آپیس پس از زائیدن آپیس، دیگر قادر بحمل بچه دیگری در شکم نباشد^{۲۱} و بر اساس این عقیده لامحاله مصریان پس از تولد هر گاوا نوزادی که دارای علائم ظاهری آپیس میبوده بایستی مدتی تأمل و صبر میکرده اند تا بر آنها معلوم شود مادر آن باز باردار نخواهد شد و آنگاه بتوانند بطور قاطع بر خدائی آن حیوان نوزاد حکم کنند، و این مدت پانزده ماه هم که دو آپیس همزمان بوده اند، بیگمان در همین انتظار گذشته است.

یوزنر مصر شناس فرانسوی نیز در کتاب نفیس خود بنام «نخستین دوره استیلای ایرانیان بر مصر» که بزبان فرانسوی نوشته، در شرح کتیبه های قبر و تابوت آپیس زمان کمبوجیه بر همین عقیده است و می نویسد: «بالاخره از بررسی و مطالعات در مورد این موضوع چنین نتیجه بدست می آید که مفاد متون سنگنبشته های بنخط هیرو گلیفی مربوط به آرامگاه گاوا آپیس را با مندرجات کتابهای هرودوت و دیودور و سترابون و دیگران هیچوجه نمیتوان با یکدیگر تطبیق داد؛ همین دلیل نمیتوان دعوی مورخان مزبور را هم وارد دانست خاصه که پادشاهی کمبوجیه آنچنان که متون این سنگنبشته ها نشان میدهد، برخلاف اظهار مورخان قدیم توأم با عقل و درایت کامل بوده است.»^{۲۲} مورخ معاصر آمریکائی «امستد» (Omstad) استاد تاریخ در دانشگاه شیکاگو نیز در کتاب «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی» در این مورد چنین نوشته است:

۲۰ - تاریخ قدیم تألیف ماسپرو Maspero جلد سوم ص ۶۶۸

۲۱ - هرودوت کتاب سوم بند ۲۸

۲۲ - ص ۱۷۵

داین دشنام که بسیار باز گو شده که او یک گاو آپیس را کشت (یعنی کمبوجیه) دروغ است. در سال ششمش (۵۲۴ ق م) زمانی که کمبوجی به لشکر- کشی در اتیوپی از مصر دور بود گاو مقدس مردو گاو آپیس بعدی که در سال پنجم کمبوجی زائیده شد تا سال چهارم داریوش زنده ماند. ۲۳

اینک بی مناسبت نیست که برای تکمیل مقاله توضیحاتی هم درباره کتیبه قبر آپسی که در زمان داریوش کبیر بسال ۵۱۸ قبل از میلاد در گذشته، گفته شود: سنگ قبر این آپیس مانند سنگ آرامگاه آپسی که در زمان کمبوجیه بخاک سپرده شده از سنگ های آهکی و با ارتفاع ۸۰ سانتیمتر و بعرض ۴۴ سانتیمتر و ضخامت در حدود ۱۰ سانتیمتر است و آن نیز در کاوشهای ماریت بدست آمده و اکنون در موزه لوور محفوظ می باشد ولی متأسفانه این کتیبه نفیس که سند معتبر و ارزنده ای برای تاریخ ایران باستان است شکسته شده و در حال حاضر ۸ قطعه از آن موجود است و ترکیب متن این کتیبه هم مانند کتیبه زمان کمبوجیه از دو قسمت تشکیل میشود که قسمت اول عیناً مانند کتیبه زمان کمبوجیه است جز اینکه در این کتیبه بجای قرص بالدار خورشید، علامت آسمان را رسم کرده اند که سراسر ضلع هلالی کتیبه را دربر گرفته است و عناوین و القابی هم که برای داریوش ذکر نموده اند همانست که در مورد کمبوجیه بکار رفته است.

در قسمت دوم، کتیبه شامل یازده سطر است که حاوی شرح بخاک سپردن آپیس و ساختن تابوت و اهدای آن از طرف داریوش میباشد و اما آنچه در این سنگ- نبشته بر متن کتیبه زمان کمبوجیه اضافه دیده میشود این است که شاهنشاه داریوش گاو آپیس را هنگامی که زنده میبود بیش از شاهان دیگر دوست داشت. ۲۴

بنابر آنچه گذشت، جای تردید نیست که پادشاهان هخامنشی نسبت به آداب و رسوم و معتقدات مذهبی مردمان کشورهای متصرفی خود بهمه جهات احترام میگذاشتند و هرگز ملل مغلوب را بترك آئین و قبول مذهب ایرانیان و ادار نمیکردند و در تایید این موضوع شواهد تاریخی بسیار هست که در کتابهای تاریخی میتوان یافت؛ مثل رفتار کوروش کبیر در بابل با ملت یهود که مقام او را در نزد یهودیان بمرتبۀ پیامبری رسانید و نام او را در کتاب آسمانی خود ثبت کردند و همچنین سیاست مذهبی داریوش کبیر باملتهای مغلوب. پایان